

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه مد (جله سوم)

نختم منقومی استاد اخوت ۹۴/۵/۱۰

واژگان آیه آخر:

جید: گردن (جلوی گردن، جنبه زیبایی).

حبل: سببی است که منجر به محکم شدن و بستن چیزی می شود مانند حباله = تور.

سبب شی ممتد (چیزی که دارای طول است).

مسد: لیف خرما، به وسیله آن حبل درست می شود.

جمع بندی این سه واژه: عمل، (حماله الحطب) وبال گردن امرأه ابی لهب است. وبال گردن از جنس خود عمل است. که تبدیل به نار می شود. عذاب هر کسی متناسب با عمل اوست (عذاب تکوینی نه قراردادی). انسانها عذاب خودشان را خودشان تدارک می بینند. هر عملی بازتابی در آخرت دارد. یعنی ملکوتی در آخرت دارد. هر عملی ملکوتی با خودش می آورد، چه خوب و چه بد.

در قیامت برآیند اعمال انسان هویدا می شود. بهشت و جهنم وضع قیامتی اعمال ما است. خاصیت عمل صالح زادآوری خاص آن می باشد. آیات بهشت و جهنم درون مایه عمل و ملکوت را نشان می دهد.

ما می توانیم عمل های خودمان را یادداشت کنیم و درون مایه آنها را ببینیم، نوعا ما درون مایه اعمالمان را در خوابمان می بینیم.

بسیاری از خیراتی که به ما می رسد، به خاطر ثواب عمل دنیایی است که اهل بیت (ع) داشتند.

نکات سوره:

۱. خداوند مسیر حق را مسیری تکوینی قرار داده است نه قراردادی، در این سوره نشان داده شده است که نسبت‌های قراردادی در کاهش عذاب کوچکترین تاثیری ندارد.
۲. غایت انسان دستیابی به نور یا نار است. غرض خلقت او دستیابی به نور است زیرا خداوند مسیر به آتش رسیدن را مردود، ملعون و.... اعلام کرده و عدم رضایت خودش را به این وسیله ابلاغ کرده است.
۳. در مسیر دستیابی به نور یا نار همراهی دیگران امکان پذیر است. نوعاً این همراهی از بیت شکل می‌گیرد و آغاز می‌شود بدین وسیله شاکله اعمال اجتماعی در بیوت شکل می‌گیرد.
۴. مسیر هدایت یا ضلالت انسان را به تدریج به سعادت یا شقاوت می‌کشاند. این حرکت تدریجی می‌تواند موقعیت اصلاح را برای فرد فراهم کند و البته می‌تواند اغوای او را تشدید کند.
۵. انسان به تدریج به صفات ثابت دست پیدا می‌کند به طوری که با آنها شناخته می‌شود، قالب می‌خورد و شکل می‌پذیرد. نمونه آن در سوره ابولهب، "حمالة الحطب" و یا "فی جیدها جبل من مسد" است. اسم پیدا می‌کند، قالب می‌گیرد، شکل می‌گیرد و حتی شکل ظاهرش همانگونه می‌شود.
۶. در این سوره از افرادی که دارای صفات ثابت منفی هستند، صحبت به میان آمده است ولی در پس‌زمینه آن فعل و عمل‌شان در تقابل با کسانی است که دارای صفات ثابت مثبت‌اند، بنابراین در سوره از هر دو جبهه حق و باطل سخن گفته شده است.
۷. هر کسی در صدد تخریب شخصیت رسول گرامی(ص) باشد مورد لعنت خداوند قرار گرفته است، زیرا سوره مسد سوره‌ای برای همه اعصار و قرون است.(غرض سوره)

مشاهده سوره در کل قرآن به چند روش:

- **کلمات مشابه:** استخراج معنی تبت و پیدا کردن عین کلمه و یا کلمات مشابه آن. ببینیم خدا در قرآن چه کسانی را با این واژه و مشابه آن آورده است؟ پیدا کردن کلمات مشابه حتماً باید طبق یک ضابطه‌ای باشد.
- **عبارات مشابه:** عین عبارت یا عبارت‌های مشابه را استخراج کنیم.
- **موضوعات مشابه:** با موضوع یا موضوعات مشابه کار کنیم، مثل سیصلی نارا ذات لهب، امرأة حمالة الحطب. در این مورد باید مفهوم گیری شود و با مفهوم جستجو کرد.

تمام آیات سوره در واقع آیاتی هستند که جبهه باطل را معرفی می‌کنند، اما می‌توان جبهه مقابل را هم بررسی کرد، یعنی کلمات، عبارات و موضوعات مقابل کلمات، عبارات و موضوعات سوره.

تفکیک سوره به دو بخش: جهت حق و باطل، قالب و شاکله

جهت را از سوره انتزاع می‌کنیم. وقتی جهت سوره در نظر گرفته شود، سوره تبدیل می‌شود به یک معرفی از خصوصیات انسانی که ممکن است در جهت حق باشد یا باطل. این یک تحلیل عقلی است و احتیاج به دقت دارد تا به اشتباه نیفتاد.

واژه غیر مستقیم و مشابه تبّ: ضال، مغضوب. ضال عمومی تر و مغضوب اختصاصی تر است.

غضب در قرآن در موارد خاص به کار رفته است. مغضوب در مورد فرعون و رهبران گمراهی و سران کفر به کار رفته است. نزدیک ترین واژه به تبّ غضب و لعن است.

هلاک، تب، قتل: عمومیت از بین رفتن است.

غضب: هلاکتی است که فرد در مقابل رسول ایستاده و رهبری کفر را به عهده گرفته است.

غضب، لعن: محرومیت از رحمت به طور قطعی جاری می‌شود.

هر ویژگی که برای خسر می‌گویید برای تباب هست نه بالعکس.

واژه‌هایی که با تباب ارتباط دارند واژه‌هایی هستند در مورد انسان‌هایی که سعی کردند تمام ظرفیت‌های خود را با شیطنت بروز دهند.

انذار خدا نسبت به اینست که کافر به آخرین مرتبه ضلالت نرسد (یکی از وجوه انذار با توجه به سوره مرسلات).

خداوند ابولهب را شاخص کسانی که مال و ماکسب‌شان به کارشان نیامد، قرار می‌دهد. ابولهب مثّل شد.

آتش ذات لهب برای دیگرانی هم وجود دارد پس سوره مسد تنها مصداقش ابی لهب نیست (براساس آیات ۲۸ تا ۳۳ مرسلات).

فضای مکذبین در قرآن یک فضای بی ادبی است.

بحث ما بحث تدبر در قرآن است نه تفسیر قرآن

سوره مبارکه توحید ----- صفات و ویژگی های صفات در مخلوقات و انسان

سوره مبارکه کافرون ----- شاکله صفات (محدوده محدودیت های یک صفت) انواع شاکله : عبودیتی، خلقی

سوره مبارکه مسد ----- شاکله نفس (شخصیت) (تثبیت صفات در انسان)

شاکله نفس: برآیند صفات (سیرتدریجی) و نتایج و آثار = رشد یا هلاکت

در قرآن نوعا در فضای شاکله نفس تحلیل شده است و سپس روی موارد دیگر. نوعا از آدمهایی صحبت می کند که صفات در آنها تثبیت شده است.

غیر خدا همه دارای شکل اند، شکل یعنی محدوده و محدودیت. صفت جزئی و صفات برآیندی است.

برآیند صفات در قرآن از منتها الیه یک موجود بررسی می شود یعنی به فعلیت رسیدن صفات منجر به رسیدن به نهایت بروز و صفات می شود و این شخصیت است. آیات قیامت یعنی به فعلیت رسیده همه صفات.

سیر به دست آوردن مفهوم شخصیت یا شاکله نفس از سوره مبارکه مسد بر اساس مطالب فوق:

تبت: انسان دارای استمرار یا عدم استمرار در عمل است.

ید: انسان قدرت اجرا یا عدم اجرا دارد.

ابی لهب: صفت شدن و دارای وضعیت پایدار مثبت یا منفی.

تب: به نتیجه رسیدن یا نرسیدن، دوام و صف، میزان تثبیت یا عدم ثبات.

ان شاءالله خدا ما را از همه ابی لهبها و کسانی که شائبه ای از ابی لهب دارند دور کند و با نور پیامبر نزدیک کند و هیچ صفتی از ما شبیه به ابی لهب نباشد به برکت صلوات.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات